

«زن و مطالعات خانواده»

سال هفدهم، شماره شصت و چهارم، تابستان ۱۴۰۳

ص ص: ۴۵-۶۱

مسأله‌شناسی فرهنگ فقر زنان در شهر کرمانشاه

انیس رضایی^۱

عبدالرضا ادھمی^۲

شهلا کاظمی پور ثابت^۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۲/۲۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱/۲۱

فرهنگ فقر از مفاهیم مهم انسان‌شناختی است که به حوزه‌های مختلف علوم اجتماعی، اقتصاد، توسعه، جامعه‌شناسی و همچنین گفتمان عمومی و رسانه‌ها نیز نفوذ کرده است. این مفهوم که ابتدا توسط اسکار لویس ابداع شد؛ عبارت است از: نظام معنایی، ذهنی و هنجاری - ارزشی که به ایجاد و گسترش احساس فقر در بین افراد منجر شده و در صورت درونی شدن، این فرآیند به‌طور مداوم بازتولید می‌شود. بازتولید فرهنگ فقر یکی از موانع عمده توسعه پایدار محسوب می‌شود. مطالعه حاضر با رویکرد کیفی و به شیوه تحلیل محتوا به شناسایی و واکاوی مشخصه‌ها و مؤلفه‌های فرهنگ فقر در بین زنان شهرستان کرمانشاه می‌پردازد. مشارکت‌کنندگان شامل ۱۶ زن ۱۵ تا ۵۹ ساله هستند که به روش نمونه‌گیری هدفمند وارد مطالعه شدند و مورد مصاحبه چهره به چهره و نیمه ساختارمند قرار گرفتند. براساس یافته‌ها و نتایج به دست آمده، پنج مؤلفه اصلی فرهنگ فقر استخراج شدند که عبارتند از: نابسامانی اقتصادی، تعلق محلی، بی‌تفاوتی خانوادگی، بی‌تفاوتی اجتماعی و ناامیدی.

کلمات کلیدی: فرهنگ، زنان، شهر کرمانشاه، فرهنگ فقر.

۱. دانشجوی دکتری، گروه جامعه‌شناسی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۲. دانشیار، گروه جامعه‌شناسی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول) a_adhami@iau-tnb.ac.ir

۳. دانشیار دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

مقدمه

امروزه انسان، محور اصلی توسعه است و توجه به نیازهای اساسی وی و بهره‌مندی از ابعاد توسعه یک حق مسلم در قوانین بین‌الملل محسوب می‌شود. طی سال‌های اخیر، با اوج گرفتن بحث‌هایی که لزوم نیل به توسعه پایدار را نیاز ضرورت جامعه امروز می‌دانند، ارتقای سطح رفاه و کیفیت زندگی نیز جز لاینفک این فرآیند تعریف شده است (Mohammadpour and Alizadeh, 2011). بنابراین رهایی از فقر صرفاً جنبه بشر دوستانه ندارد، بلکه رها شدن از فقر یک حق مسلم در قوانین بین‌المللی است. (Mohammadpour and Alizadeh, 2011).

فقر به‌عنوان یکی از اولین آسیب‌های اجتماعی، قدمتی برابر با تاریخ بشر دارد. می‌توان گفت: که بسیاری از مشکلات اجتماعی پیامد فقر است. (Hamzeh'ee, at all, 2012) «فقر نه تنها در زمان حال، بلکه به‌صورت بالقوه سراسر جریان زندگی ما را تحت تأثیر قرار می‌دهد. فلاسفه، مجریان طرح‌ها و حتی سیاست‌مداران در مورد یک چیز با هم متفق‌القول‌اند و آن این‌که فقر یک مسأله است» (Alcock, 2006). فقر یک مسأله یا مشکل اجتماعی خوشه‌ای و شبکه‌ای است؛ یعنی موقعیتی که به یک مشکل منجر می‌شود، می‌تواند به مشکلات دیگر و موقعیت‌های مشکل‌آفرین دیگر نیز احاطه وضعیت پیدا کند (Zahedi Asl, 2002). فرهنگ فقر^۱ از مفاهیم مهم انسان‌شناختی در حوزه‌های مختلف علوم اجتماعی، اقتصاد، توسعه و جامعه‌شناسی و همچنین گفتمان عمومی و رسانه‌ها است. گرچه درباره فقر و مردم فقیر بسیار نوشته‌اند، مفهوم «فرهنگ فقر» هنوز نسبتاً تازه و ناآشنا است.

علاقه به مطالعه پدیده فقر شهری تقریباً همزمان با شکل گرفتن شهرهای صنعتی و نابسامانی‌های حاصل از ورود گسترده مهاجران روستایی به آن‌ها در قرن ۱۹ و از خلال کتاب‌های مهم و تأثیرگذاری چون «وضعیت طبقه کارگر در انگلستان» اثر فردریش انگلس که در حقیقت توصیفی از محله‌های فقیر نشین لندن و چند شهر دیگر بریتانیا بود، آغاز شد. با این حال، فقر شهری و فرهنگ فقر در کشورهای در حال توسعه و چه در کشورهای در حال توسعه، موضوعی دارای اولویت برای انسان‌شناسی شهری در همه کشورها است (Khursheed Chehar, 2006).

توسعه واقعی مستلزم مشارکت همه شهروندان در فرایند توسعه است. توسعه پایدار به‌عنوان یکی از بسترهای تعالی و رشد انسان، نیازمند یاری و مشارکت همه گروه‌های اجتماعی است. در میان گروه‌های اجتماعی زنان نیمی از جمعیت را تشکیل می‌دهند و به دلیل ارتباط مستقیم آنان با گروه‌های سنی جوانان، نوجوانان، کودکان و نیز نیم دیگر جمعیت یعنی مردان از مهم‌ترین و موثرترین گروه‌های اجتماعی به شمار می‌آیند و این واقعیتی است که در جوامع در حال توسعه کمتر مورد توجه قرار گرفته است. به همین جهت علی‌رغم برنامه‌ریزی‌ها و حمایت‌های انجام یافته هنوز زنان در بعضی از کشورها نتوانسته‌اند به جایگاه و نقش مناسب خود در اداره امور کشور و در تصمیم‌گیری‌ها دست یابند (Majlesi, 2006). این بدان معنی

است که باید هم در سطح ملی و هم در عرصه بین‌الملل مسائل و مشکلات زنان در اولویت قرار بگیرد علاوه بر این نکته، سهم نابرابر و بیشتر زنان از فقر که غالباً در مفهوم زنانه شدن فقر (Shaditalab and geraaienezhad, 2004; Shalchi and Azimi 2018) انعکاس یافته است، محقق را بر آن داشت که برای انتخاب جامعه هدف بر زنان متمرکز شود.

استان کرمانشاه و به تبع آن شهرستان کرمانشاه یکی از استان‌های محروم، جنگ زده و کم توسعه یافته است که اگر بخواهد در مسیر رشد و توسعه به خصوص توسعه پایدار قرار گیرد باید در جهت رفع فقر به‌طور اعم و فرهنگ فقر به‌طور اخص گام بردارد. برای رسیدن به این هدف ضرورت دارد مردم و فرهنگ‌ها شناسایی شوند. پژوهش حاضر کندوکاوی است برای شناسایی دقیق مؤلفه‌ها و مشخصه‌های فرهنگ فقر در بین زنان کرمانشاه؛ تا با شناخت این مهم گامی هرچند کوچک در مسیر رشد و شکوفایی جامعه بردارد. به عبارت دقیق‌تر سؤال اصلی پژوهش، « فرهنگ فقر در میان زنان شهرستان کرمانشاه چه ویژگی‌ها، مؤلفه‌ها یا مشخصه‌هایی دارد؟ » می‌باشد. اهدافی که محقق در این پژوهش دنبال می‌کند به شرح ذیل می‌باشد:

- ۱- شناخت ویژگی‌های فرهنگ فقر در میان زنان شهرستان کرمانشاه
- ۲- شناخت مشخصه‌های فرهنگ فقر در میان زنان شهرستان کرمانشاه
- ۳- شناخت مؤلفه‌های فرهنگ فقر در میان زنان شهرستان کرمانشاه

چارچوب نظری

یکی از مهم‌ترین چالش‌های شهرهای قرن بیست و یکم، تمرکز فقر در آن‌ها است (Simler and et al, 2003). رشد روزافزون جمعیت و همزاد آن مهاجرت گسترده به شهرها به توسعه کالبدی و فضای شهرها و بلعیده شدن نواحی اطراف، خلق سکونت‌گاه‌های جدید، کاهش سطح رفاه انسانی (Ortega and et al, 2011) و گسترش فقر و حومه‌نشینی منجر شده است (3: Bagheri and et al, 2022). به همین دلیل یکی از اولویت‌های دهه‌های اخیر در مسیر برنامه توسعه، فقرزدایی است. به طور کلی سه دیدگاه نظری در باب فقر عنوان شده است که عبارتند از رویکرد فرهنگی، رویکرد موقعیتی و رویکرد ربطی که در ادامه به هر کدام پرداخته شده است:

رویکرد فرهنگی

بر اساس این دیدگاه، فقرا و محرومین از الگوهای رفتاری و ارزشی خاصی پیروی می‌کنند که با الگوهای موجود در جامعه و فرهنگ غالب متفاوت است. این الگوها و ارزش‌ها به مرور از نسلی به نسل دیگر منتقل شده و به شکل‌گیری یک خرده فرهنگ منجر می‌گردد (Afrogh, 2004). در این نگرش

دیدگاه‌هایی وجود دارد که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از دیدگاه فرهنگ فقر اسکار لوئیس^۱ و دیدگاه منش ناقص شیلر^۲.

اولین بار اسکار لوئیس، مردم شناس آمریکایی بحث فرهنگ فقر را مطرح کرد. لوئیس فرهنگ فقر را صفت‌های در هم تنیده اجتماعی و اقتصادی و روانشناختی می‌داند که این ویژگی‌ها باعث بیکاری‌های طولانی، تزلزل در روابط خانوادگی، درماندگی و احساس وابستگی به دیگران و پایین بودن سطح مشارکت اجتماعی و در نهایت از دست دادن اعتماد به نفس و بیگانگی از جامعه می‌شود (Razavi, 1998) از نظر او فرهنگ فقر در شرایط ویژه‌ای رشد می‌کند و تجسم مجموعه مشترکی از ارزش‌ها و الگوها است (Anbari and Baghai, 2015). از نظر شیلر، فقر نتیجه طبیعی نقایص فردی در اشتیاق و توانایی یا به تعبیر دقیق‌تر انگیزه و اخلاق کاری است. فقدان هر یک از این عوامل در افراد، کم و بیش به فقر منجر می‌شود. طبق این نظریه فقر و محرومیت در اثر بی‌انگیزه بودن افراد و نیز ناتوانایی آن‌ها بوجود می‌آید؛ به عبارت دیگر، به نوعی تحمیل شده و تنها لازم است شرایط و موقعیت خود را تغییر داده و از فقر و فلاکت نجات یابند که این مهم از طریق آموزش دیدن افراد امکان‌پذیر است (Afrogh, 2004).

رویکرد موقعیتی

این دیدگاه ناظر بر این امر است که علت فقر را باید در نیروهای بیرون از کنترل فرد جستجو کرد. فقر حاصل تبعیض و موقعیت‌هایی است که ساختار جامعه بر افراد تحمیل نموده است. «نظریه تضاد^۳» روایت بسیار تند و حاد این دیدگاه در خصوص مسأله فقر است که مشکلات اجتماعی را ناشی از توزیع نابرابر قدرت می‌داند. نظام اجتماعی ماهیتی ناعادلانه و استثمارگرانه دارد که جامعه را به طبقات پایین و بالا تقسیم می‌کند. در عین حال روایت معتدل‌تر آن، نظریه مرتون است که فقر و نداری را به ساخت اجتماعی که فرصت‌ها را محدود می‌نماید، نسبت می‌دهد (Afrogh, 2004).

رویکرد ربطی

این رویکرد برخلاف دو رویکرد قبلی در تلاش است، شکلی تلفیقی از هر دو نظریه را ارائه دهد و بر آن است که فقر نه صرفاً امری درونی و نه امری بیرونی است، بلکه مقوله‌ای ربطی می‌باشد. در این دیدگاه هم کنش فردی انسان‌ها و هم نگرش دیگران به آن‌ها مطرح شده و اثبات می‌گردد که هر دو این کنش‌ها در شکل‌گیری پایگاه اجتماعی آن‌ها مؤثر هستند. به عقیده «واکسمن^۴» این رویکرد بر پایه درک موقعیت فقر در چارچوب ساخت اجتماعی، نگرش‌ها و اعمال غیرفقیر نسبت به فقیر و تأثیرهای این نگرش‌ها و کنش‌ها بر فقر استوار است. از نظر زیمل، واکنش اجتماعی و برخوردهای دیگران به فقرا هویت خاصی

1 . Oscar Lewis

2 . Shiler

3 .Conflict Theory

4 . Waxman

می‌بخشد و سبب می‌شود آن‌ها رفتاری از خود بروز دهند و جزء دسته مذکور قرار گیرند. براین اساس، جامعه فقیرساز است و فقری که با صفات منفی مشخص می‌شود، در دیگر گروه‌های اجتماعی جایگاهی ندارد (Mohammadpour and Alizadeh, 2011).

در میان نظریه‌های مطرح شده فوق، از نظریه اسکار لوئیس به‌عنوان راهنمای نظری تحقیق استفاده می‌شود. در مورد فرهنگ فقر، تحقیقات متعددی صورت گرفته است که به اختصار به برخی از تحقیقات داخلی و خارجی صورت گرفته در ادامه اشاره می‌شود.

«فرهنگ فقر در بوداپست» عنوان پژوهشی است که توسط اوتلیا سولت^۱ (۲۰۱۵) نوشته شده است. وی در این تحقیق به بررسی فرهنگ فقر در بوداپست می‌پردازد و به دو گروه افراد در جامعه اشاره می‌کند: گروه‌های پایین جامعه که زندگیشان با شیوه‌های معیشتی گوناگون و بدون تضمین همراه هستند و گروه‌های بالاتر جامعه که از بسیاری از تضمین‌های اجتماعی پذیرفته شده برخوردارند که زندگیشان را محافظت می‌کند. الکیر و همکاران (۲۰۱۴)، در پژوهشی با عنوان «شاخص‌های چند بعدی فقر» نشان دادند که فقر پدیده‌ای چند بعدی و دارای شاخص‌های گوناگون است. از بعد اجتماعی، فقر در پایین بودن سطح آگاهی، فضای ذهنی، فقدان نوآوری، ضعف خلاقیت، حاشیه شدن افراد و پایگاه اقتصادی و اجتماعی افراد ریشه دارد. هاگبرگ (۲۰۰۱)، در تحقیقی با عنوان «فقر در بورکینافاسو: بازنمایی واقعیت‌ها» به این مسأله پرداخته است. وی در مورد عوامل فقر در بورکینافاسو به مجموعه‌ای از علل اقتصادی، سیاسی و فرهنگی اشاره کرد. در مورد عوامل فرهنگی فقر مواردی چون: نامناسب بودن نظام خویشاوندی و نظام اجتماعی، عقاید مذهبی بازدارنده، فرهنگ فقر و درک فقرا از پدیده فقرشناسایی اشاره شده است. لوئیس (۲۰۰۹) در کتاب «فرزندان سانچز» مدلی مفهومی و منطقه‌ای برای فرهنگ فقر ارائه می‌کند. در تحقیق دیگری که لوئیس در سال (۱۹۵۳) قبل و بعد از انقلاب کوبا در محله‌های فقیرنشین کوبا انجام داد، به این نتیجه رسید که اگرچه در آن محله‌ها فقر کاملاً از بین نرفته است، اما فرهنگ فقر در آن‌جا از بین رفته است؛ زیرا احساس بدبختی، بی‌علاقگی و ناامیدی که همگی از وجوه مشخصه فرهنگ فقر است در بین این مردم بسیار کم به چشم می‌خورد و مردم نسبت به رهبران خود اعتماد بسیاری داشتند و امیدوار بودند (Parvin and Darvishifard, 2015). در میان پژوهش‌های داخلی، پروین و درویشی فرد (۲۰۱۵) در تحقیقی به بررسی خرده فرهنگ فقر و آسیب‌های اجتماعی در محلات شهری محله هرنندی پرداخته‌اند. یافته‌های تحقیق نشان داد که غربتی‌ها «خرده فرهنگ فقر» خاصی دارند که زمینه را برای انواع مسائل و آسیب‌های اجتماعی فراهم کرده است. علاوه بر این، یافته‌ها گویای آن بود که عناصر خرده فرهنگ غربتی‌ها مواردی همچون فقر و ارزشمندی فقر، هیجان‌خواهی و لذت‌جویی، بی‌توجهی به قانون، این‌جا و اکنون بودن و عدم تمایل به آینده‌نگری، مشارکت پایین اجتماعی و عدم تعلق روحیه شهروندی را شامل شد.

1. Ottilioa Solt

همزه‌ای و همکاران (۲۰۱۲) مطالعه‌ای تحت عنوان «شناخت فرهنگ فقر در روستاییان شهرستان هرسین» انجام دادند. این تحقیق نشان داد که بین روستاییان فقیر از نظر شیوه زندگی و چگونگی رفتار با مسائل پیرامون اختلاف وجود دارد. این موضوع گویای وجود فرهنگی به نام فرهنگ فقر است. همچنین نتایج این تحقیق نشان داد که مشخصه‌های فرهنگ فقر در بین روستاییان شهرستان هرسین شامل: بی‌توجهی به خود و خانواده، بدبینی و ناامیدی، تقدیرگرایی، موروثی بودن فقر، انزوای شدید اجتماعی، انزوای فضایی و مکانی، وضعیت اقتصادی بسیار بد و نداشتن مشارکت اجتماعی، است. در مطالعه بساطیان (۲۰۱۱) به بررسی الگوی خاموش فرهنگ فقر و عوامل مرتبط با آن می‌پردازد: این تحقیق با استخراج مهم‌ترین شاخص‌های فرهنگ فقر همچون تقدیرگرایی، مصرف‌گرایی و عدم تمایل به پس‌انداز، بیگانگی اجتماعی، عدم آینده‌نگری و عدم سرزنش فقر به بررسی این پدیده در میان شهروندان شهرستان دلفان از حوزه استان لرستان و عوامل مرتبط با آن پرداخت. پژوهشی با عنوان «زنان و فرهنگ فقر» به کوشش محمدپور و علیزاده (۲۰۱۱) صورت گرفت که نشان داد شاخص‌هایی از جمله مسئولیت‌گریزی، مشارکت‌گریزی، پنهان‌کاری، تعصب جنسیتی، آسیب‌پذیری اخلاقی، ازدواج اجباری مجدد، خطرپذیری پایین و در یوزگی از ویژگی‌های فرهنگ فقر زنانه است.

به‌طور کلی می‌توان گفت بیشتر مطالعات داخلی انجام شده در مورد فرهنگ فقر، مربوط به یک گروه خاص از زنان می‌باشد مانند: زنان حاشیه‌نشین، زنان سرپرست خانوار یا زنان مجرم و زندانی. نکته دیگر این که با توجه به فراتحلیلی که توسط محمدی (۲۰۱۰) در حوزه فقر صورت گرفت بیشتر مؤلفه‌های اقتصادی در کانون توجه بود و کمتر از نگاه جامعه‌شناختی به آن پرداخته شده است. بعضی از مطالعات دیگر هم به مناطق روستایی و سایر گروه‌های اجتماعی مثل جوانان یا مردان معطوف بود؛ اما پژوهش حاضر به دنبال شناسایی مؤلفه‌ها یا مشخصه‌های فرهنگ فقر در میان نمونه‌ای از زنان شهر کرمانشاه می‌باشد و سوالات زیر طرح شده است:

۱- ویژگی‌های فرهنگ فقر در میان زنان شهرستان کرمانشاه کدامند؟

۲- مشخصه‌های فرهنگ فقر در میان زنان شهرستان کرمانشاه کدامند؟

۳- مؤلفه‌های فرهنگ فقر در میان زنان شهرستان کرمانشاه کدامند؟

روش تحقیق

در این پژوهش برای شناسایی مؤلفه‌ها و مشخصه‌های فرهنگ فقر از روش کیفی بهره گرفته شد. نوع تحلیل، تحلیل محتوای قراردادی است. در تحلیل محتوای قراردادی طبقات و نام آن‌ها از متن داده‌ها جریان می‌یابند (Rezaie and et al, 2016). در این پژوهش مشارکت‌کنندگان به شیوه نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. نمونه‌گیری از کلیه زنان (۱۵_۵۹) ساله شهر کرمانشاه با حداکثر تنوع انجام شد و از آنان مصاحبه به عمل آمد. مصاحبه‌ها متناسب با روش پژوهش کیفی و به شیوه میدانی انجام شد. جمع‌آوری اطلاعات از طریق مصاحبه‌های چهره به چهره و به شکل نیمه ساختارمند صورت گرفت. همزمان با

جمع‌آوری اطلاعات، فرآیند تحلیل داده‌ها نیز انجام شد. متن پیاده شده مصاحبه‌ها پس از چندین بار مرور به واحدهای معنایی تشکیل‌دهنده و کوچکترین واحدهای معنادار شکسته شدند. سپس کدها بازخوانی شدند تا بر اساس تشابه معنایی در زیر طبقات و طبقات اصلی جایگزین شوند. مقبولیت داده‌ها با مرور دست‌نوشته‌ها توسط مشارکت‌کنندگان و استفاده از نظرات تکمیلی آن‌ها و همچنین درگیری طولانی مدت محقق با داده‌ها حاصل شد. علاوه بر این چند استاد صاحب نظر در زمینه پژوهش‌های کیفی، تمام فرآیند تحقیق را نظارت و حسابرسی کردند.

یافته‌های پژوهش

برای ارائه تصویر ذهنی کامل‌تر از مشارکت‌کنندگان ابتدا وضعیت مشارکت‌کنندگان توصیف می‌شود و سپس طبقات و زیر طبقات استخراج شده از تفسیر کل کار تشریح می‌شود (جدول ۱)

جدول ۱. توصیف کلی مشارکت‌کنندگان

ردیف	نام	سن	وضعیت	میزان	شغل مشارکت	شغل همسر	مناطق شهری محل زندگی
۱	معصومه	۴۲	متاهل	تحصیلات ابتدایی	خانه دار	کارگر	پایین پایین_ دولت آباد
۲	مریم	۳۸	مجرد	فوق لیسانس	بیکار	—	پایین پایین_ دولت آباد
۳	فاطمه	۲۲	متاهل	ابتدایی	خانه دار	ضایعات فروش	پایین پایین_ جعفر آباد
۴	روناک	۵۳	متاهل	بی سواد	خانه دار	کارگر	پایین پایین_ جعفر آباد
۵	لیلا	۳۵	متاهل	راهنمایی	خانه دار	قاضی	بالای بالا_ سراب قنبر
۶	مژگان	۵۰	فوت همسر	فوق لیسانس	دبیر	—	بالای بالا_ سراب قنبر
۷	شیرین	۴۲	فوت همسر	فوق لیسانس	وکیل	—	بالای بالا_ نوبهار
۸	رها	۳۰	متاهل	راهنمایی	خانه دار	کارخانه دار	بالای بالا_ نوبهار
۹	نازنین	۴۰	مجرد	لیسانس	مغازه دار	—	متوسط_ فرهنگیان فاز یک
۱۰	حدیث	۲۳	متاهل	لیسانس	ناخن کار	بازاریاب	متوسط_ الهیه
۱۱	مستانه	۳۴	متاهل	دیپلم	خانه دار	کارمند	بالا_ متخصصین
۱۲	ثریا	۲۷	مجرد	لیسانس	دکوراسیون داخلی	—	بالا_ مصدق
۱۳	سارا	۳۱	مجرد	لیسانس	بیکار	—	پایین_ مسکن
۱۴	زینب	۲۸	متاهل	ابتدایی	خانه دار	شغل آزاد	پایین_ شهرک معلم
۱۵	سمیه	۴۰	متاهل	راهنمایی	خانه دار	کارگر	پایین_ شهرک معلم
۱۶	روژین	۳۵	مطلقه	لیسانس	پرستار	—	پایین_ مسکن

بر اساس داده‌های کیفی تحقیق و توضیحات مشارکت‌کنندگان پنج طبقه نابسامانی اقتصادی، تعلق محلی، بی‌تفاوتی خانوادگی، بی‌تفاوتی اجتماعی و ناامیدی استخراج شد که در جدول شماره (۲) قابل مشاهده است:

جدول ۲. طبقات و زیر طبقات

زیر طبقات	طبقات
<ul style="list-style-type: none"> بی پولی مقروض بودن به دیگران خرید اندک اندک مواد غذایی خرید اسباب و اثاث کهنه و دسته دوم نداشتن پس انداز علاقه مند بودن به محله خود شبییه بودن به همسایگان عدم مشاجره و نزاع با همسایگان تمایل به ماندن و ادامه زندگی در محله خود 	<ul style="list-style-type: none"> نابسامانی اقتصادی تعلق محلی
<ul style="list-style-type: none"> کوتاه بودن دوران کودکی غیبت پدر به عنوان سرپرست خانواده عدم دریافت محبت و حمایت از طرف والدین ازدواج در سنین پایین 	<ul style="list-style-type: none"> بی تفاوتی خانوادگی
<ul style="list-style-type: none"> عدم علاقه به سیاست و اخبار سیاسی به درد نخور بودن سواد و تحصیلات زیرپا گذاشتن قانون امید نداشتن به بهتر شدن اوضاع زندگی عدم توانایی تغییر زندگی خود عدم برنامه ریزی برای آینده در حال زندگی کردن تقدیر گرا بودن عدم میل به کنترل محیط 	<ul style="list-style-type: none"> بی تفاوتی اجتماعی ناامیدی

نابسامانی اقتصادی

شرایطی که فرد به لحاظ مالی و پولی قادر به پاسخگویی به نیازهای کلی خود نیست، توانایی خرید کالای نو ندارد و به دیگران مقروض است. دستمزد کم، نداشتن کار دائمی، عدم ذخیره مواد غذایی و ... از پیامدهای نابسامانی اقتصادی است.

- معصومه در این باره می‌گوید: از وقتی که خودم را شناختم همیشه دچار بی‌پولی می‌شوم، تمام دعوای من با شوهرم سر گرفتن خرجی است. گاهی اوقات سر همین بی‌پولی به من فحاشی و توهین می‌کند. آرزو دارم گنج پیدا کنم تا از کسی به خاطر پول التماس نکنم.
- روناک می‌گوید: دوست دارم همیشه خریده‌ها و مواد غذایی که لازم دارم را ماهانه تهیه کنم ولی همیشه، یعنی پولی ندارم به همین خاطر روز به روز می‌خرم یا از بقالی سر کوچه قرض می‌گیرم.
- یا مریم می‌گوید: من مجردم با این که مدرک فوق لیسانس دارم ولی مجبورم تمام جهازمو دست دوم و کهنه بخرم، همیشه سرم تو سایت «دیوار»^۱ است تا بتونم وسایل کهنه و دست دوم خوبی پیدا کنم چون درآمد کافی ندارم.
- یکی از مصاحبه‌شوندگان به نام رها که ساکن محله بالا شهر است در این خصوص می‌گوید: زمانی که راهنمایی بودم همیشه با مادرم برای کار کردن به خانه‌های آدم‌های پولدار می‌رفتم. در همین خونه‌ها بود که مادر شوهرم به علت زیبایی که داشتم منو برای پسرش که کارخانه‌دار بود از مادرم خواستگاری کرد. یادمه اون شب مادرم از خوشحالی نخوابید. با این که الان از نظر مالی وضعیت بسیار خوبی دارم ولی دوست ندارم ماهانه خرید کنم. مایلم روزانه خرید کنم، هرچند روزانه وقت‌گیره ولی برای من لذت بخشه.
- مشارکت‌کننده دیگری به نام ثریا بیان می‌کند: پدر و مادرم همیشه با هم دعوا دارند چون تا سر ماه چندین بار پدرم مادرم را مجبور می‌کند که از خانواده‌اش پول قرض بگیرد، خانه ما همیشه در آتش دعواست. پدرم کارگر است و توانایی برطرف کردن نیازهای ما را ندارد. گاهی اوقات از دوست پسرم برای خریدن شارژ گوشی پول قرض می‌گیرم. ای کاش شوهر پولدار پیدا کنم (با خنده می‌گوید)
- روزین ۳۵ ساله در این باره می‌گوید: من در خانواده متوسطی متولد شده‌ام. خدایا که پرستار هستم و شغلی دارم. یکی از رویاهای کودکی‌ام خرید و آرایشگاه رفتن با مادرم بود. الان هم خیلی خرید می‌روم و برنامه‌ای برای پولم ندارم، خرید کردن برای من یک تفریح هیجان‌بخش است، خیلی کم کتاب می‌خوانم تقریباً بعد از دانشگاه کتاب نخوندم.
- با توجه به مصاحبه‌های ذکر شده در مورد یکی از مؤلفه‌های فرهنگ فقر (نابسامانی اقتصادی) می‌توان به این نکته اشاره کرد که فرهنگ فقر بعد از مدتی در افراد درونی می‌شود. به گفته لویس افراد فقیر حتی پس از ثروتمند شدن و یا داشتن شغل و درآمد مناسب به سبب نفوذ فرهنگ فقر در ساختار

۱. دیوار وبگاه و اپلیکیشن نیازمندی‌های اینترنتی و بستری برای خرید و فروش کالاهای نو و دست دوم و ارائه خدمات در ایران است که در سال ۱۳۹۲ راه اندازی شده است.

وجودیشان همچنان به شیوه قبل زندگی می‌کنند. به بیان دیگر نسل‌های مختلف این فرهنگ را به ارث می‌برند و آن را بازتولید می‌کنند (Fazeli, 2006).

تعلق محلی

یکی دیگر از مؤلفه‌های فرهنگ فقر تعلق محلی مشارکت‌کنندگان است؛ یعنی احساس فرد مبنی بر علاقه و دوست داشتن محله‌ای که در آن زندگی می‌کند، عدم مشاجره و نزاع با همسایگان، درک همسایگان و تمایل برای ماندن و ادامه زندگی در محله‌ای که ساکن آن است:

- زینب در این باره می‌گوید: هنگامی که در محله هستم احساس می‌کنم در خانه خودم هستم. نسبت به محله‌ام وابستگی خاصی دارم. خیلی اتفاق افتاده که سبزی و لوبیا را به کمک خانم‌های محل پاک می‌کنیم. شب‌ها هم بعد از شام دور هم جمع می‌شیم. از کرونا هم نمی‌ترسیم.

- یا ثریا بیان می‌کند: من فکر می‌کنم محله ما جای خوبی برای زندگی باشد. احساس تعلق و دلبستگی به این جا دارم. دوست دارم در صورت ازدواج و متأهل شدن هم این جا باشم. به نظرم محله ما یک دست است و از خیلی جهات اخلاقی و رفتاری به همسایگان شبیه هستیم.

- نازنین در این خصوص می‌گوید: فکر می‌کنم برای مدت زیادی به سکونت در این محله ادامه خواهیم داد. خیلی وقت است این جا مغازه دارم، در واقع مغازه من پاتوق زن‌های محل است. از هر دری صحبت می‌کنیم، دوست ندارم حتی برای پیشرفت به منطقه بالا شهر بروم.

- یا رونما می‌گوید: اگر مشکلی برایم پیش آید به همسایه‌هایم می‌گویم و از آن‌ها کمک می‌خواهم، بارها پیش آمده است با افراد غریبه که از این محل رد می‌شوند دعوا می‌کنیم ولی با همسایه‌ها اصلاً، پسرم به خاطر فروش مواد مخدر زندان رفت، ولی همسایه‌ها برای پسرم پول جمع کردند، و او را از زندان آزاد کردند، خیلی محله‌ام را دوست دارم و حاضر نیستم جای دیگری بروم.

با نگاهی به مصاحبه‌ها در مورد مؤلفه تعلق محلی می‌توان به این نتیجه رسید؛ افراد به حدی به محله خود تعلق دارند که حتی برای پیشرفت و ترقی خود در صورت امکان حاضر نیستند محله خود را ترک کنند. یکی از مشخصه‌های فرهنگ فقر این است که در زمان حال زندگی کنی و لذت آنی را به پیشرفت در آینده ترجیح بدهی. عدم توجه به زمان آینده با ذهنیت روزمرگی همراه می‌شود و در نتیجه منجر به غلتیدن فرد در ورطه مسائل آنی و جزئی می‌شود (Landes, 1998) زمانی که از مشارکت‌کنندگان سؤال می‌شد در صورت امکان برای پیشرفت و ارتقای خودت حاضر هستی به محله دیگری بروی؟ پاسخ اکثر مشارکت‌کنندگان منفی بود و ماندن در محله خود برایشان خوشایند و لذت بخش بود.

بی‌تفاوتی خانوادگی

خانواده به‌عنوان اولین کانونی که فرد در آن قرار می‌گیرد دارای اهمیت شایانی است. اولین تأثیرات محیطی که فرد دریافت می‌کند از محیط خانواده است و حتی تأثیرپذیری فرد از سایر محیط‌ها می‌تواند

توسط خانواده تعدیل شود (Rifat Jah and Bahrami, 2012). یکی دیگر از مشخصه‌های فرهنگ فقر بی‌تفاوتی خانوادگی است یعنی شرایط خاصی که رشد روانی و شخصیت فرد در خانواده را مختل می‌سازد.

- زینب در این خصوص توضیح می‌دهد: همیشه به خاطر بلند خندیدن سرزنش می‌شدم. مادرم می‌گفت دختر عیبه بلند بخنده، کودکی اصلاً نکردم و حتی بازی‌های کودکانه هم عیب محسوب می‌شد. مادرم بزرگ‌ترین آرزویش این بود که شوهر کنم یادمه ۱۱ سالم بود مادرم می‌گفت سر سنگین رفتار کن تا بتونی شوهر خوبی پیدا کنی.

- معصومه بیان می‌کند: پدرم معتاد بود. هرچی داشت می‌فروخت که پول موادشو تأمین کند. خیلی اوقات یک ماه تمام خانه را ترک می‌کرد و منو خواهر برادرهایم با مادرم تنها می‌گذاشت، مادرم در یک گلخانه کار می‌کرد. وقتی پدرم برمی‌گشت مادرم را کتک می‌زد، پول‌هایش را می‌برد و دوباره منزل را ترک می‌کرد.

- یا مستانه می‌گوید: در زندگی هیچگاه محبت پدرم را لمس نکردم. اگر موفقیتی به دست آوردم کلاً خودم تلاش کردم. پدرم عاشق فرزند پسر بود و همیشه مادرم را به این خاطر سرزنش می‌کرد که چرا دختر زای است و متأسفانه منم مثل پدرم هستم و اعتقاد دارم فرزند پسر بهتر است که تکیه‌گاه مادرش هست.

- یا مزگان می‌گوید: با این که پدرم خیلی ثروتمند بود ولی معتقد بود که دختر باید خیلی زود ازدواج کند و درس خواندن از نظر پدرم به درد نخور بود، در دوازده سالگی ازدواج کردم. کودکی نداشتم. پدر و مادرم فقط منتظر بودن یکی بیاد و منو بدن بهش و راحت شن. بعد از ازدواج خودم درس خوندن رو ادامه دادم.

همان‌طور که مشاهده شد اکثر مشارکت‌کنندگان اظهار می‌کردند که فرصت کودکی و بچگی کردن نداشتند، همچنین از حمایت والدین به خصوص پدر برخوردار نبودند و ازدواج آن‌ها در سنین پایین صورت گرفته است.

بی‌تفاوتی اجتماعی

چهارمین مشخصه فرهنگ فقر در میان زنان بی‌تفاوتی اجتماعی است؛ شرایطی که در آن فرد علاقه‌ای به مشارکت اجتماعی و داشتن نقشی مثبت در جامعه ندارد، خود را جزئی از جامعه نمی‌داند و احترامی برای ارزش‌های اجتماعی مثل سواد و پایبندی به قانون قائل نیست:

- حدیث در این خصوص می‌گوید: اصلاً اخبار را نگاه نمی‌کنم و علاقه‌ای به اخبار سیاسی ندارم، من خیلی هنر کنم چند تا سایت آرایشگری که مربوط به شغلم است را نگاه می‌کنم. سواد در جامعه امروزی

به درد بخور نیست. من الان لیسانسم و پشیمانم از خواندن درس. کاش دبیرستان ازدواج می‌کردم. پارتی بهتر از قانون است اگر پارتی باشه هر قانونی را میشه نقض کرد.

- رها می‌گوید: شوهرم کارخانه‌دار است و از نظر مالی وضعیت خوبی دارم، سواد و تحصیلات بی‌فایده است، مردم ظاهرین هستند و اگر لباس گران و برند بپوشی یا مسافرت آن‌چنانی بری خیلی تو چشمی، اخبار تلویزیون را کم‌تر دنبال می‌کنم، راستش علاقه‌ای به سیاست ندارم چون ماها تصمیم‌گیرنده نیستیم. - سمیه می‌گوید: اصلاً اخبار نگاه نمی‌کنم، اینقدر بدبختی دارم تو زندگی که حالی نمی‌مانه برای دنبال کردن اخبار و اوضاع سیاسی، سواد الان به درد نمی‌خورد، قانون هم برای آدم‌های بدبخت بیچاره است. به راحتی می‌شه قانون رو دور زد اگر کله گنده باشی.

- شیرین می‌گوید: من یک وکیل هستم، قطعاً باید اخبار را نگاه کنم ولی علاقه‌ای به سیاست و اخبار سیاسی ندارم، گاهی خبرهای حقوقی را نگاه می‌کنم، در فعالیت‌های گروهی و مشارکتی کمتر شرکت می‌کنم، چون کار گروهی در این جا با موفقیت همراه نیست.

- فاطمه می‌گوید: گاهی اوقات اخبار را به خاطر یارانه نگاه می‌کنم ولی اخبار سیاسی را نمی‌بینم، سواد برایم اهمیتی ندارد و تا کلاس دوم دبستان بیشتر نخواندم، پول مهم‌تره، با پول میشه تمام قوانین را کنار زد.

همان‌طور که از مصاحبه‌ها پیدا است اکثر مشارکت‌کنندگان علاقه چندانی به دنبال کردن مسائل و اخبار سیاسی نداشتند، رعایت قانون و هنجارها برای آن‌ها درونی نشده بود، در مورد سواد و تحصیلات حتی آن‌هایی که سطح سوادشان بالا بود؛ معتقد بودند سواد زیاد به درد بخور نیست و در جامعه پارتی و پول بیشترین اهمیت را دارد. همه این موارد نشان دهنده رسوخ فرهنگ فقر و ماندگاری آن در جامعه مورد مطالعه دارد که وجود این فرهنگ مانع بزرگی برای رسیدن به توسعه پایدار می‌باشد.

نامیدی

پنجمین مشخصه و مؤلفه فرهنگ فقر در میان زنان نامیدی است؛ زمانی که فرد هدفی برای زندگی خود ندارد و اصولاً خود را ناتوان در کنترل شرایط پیرامونش ببیند و هرگونه تلاشی را برای بهبود زندگی‌اش بی‌فایده و پوچ بداند:

- سمیه می‌گوید: هیچ توانایی برای تغییر زندگی‌ام ندارم، سرنوشت و قسمت من همین بوده و هست، منتظر آینده نیستم چون آینده هم مثل گذشته است، به قول مادر بزرگم وقتی خدا داشت می‌نوشت قصه خوب سرنوشت، قصه همه را با قلم طلا نوشت، نوبت من که رسید آن قلم طلا شکست با قلم سیاه نوشت.

- مژگان بیان می‌کند: انسان آلت دست محیط است و نمی‌تواند آن را کنترل کند، در این دنیا هیچ چیز قابل کنترل نیست، چه ما سعی بکنیم و چه سعی نکنیم هرچه خدا بخواهد همان می‌شود.

- رها در این باره می‌گوید: شانس و بخت هر آدمی تعیین‌کننده میزان پیشرفت اوست و کسی که بدبخته تا آخرش بدبخته، چون سرنوشتش از اول چنین بوده است.

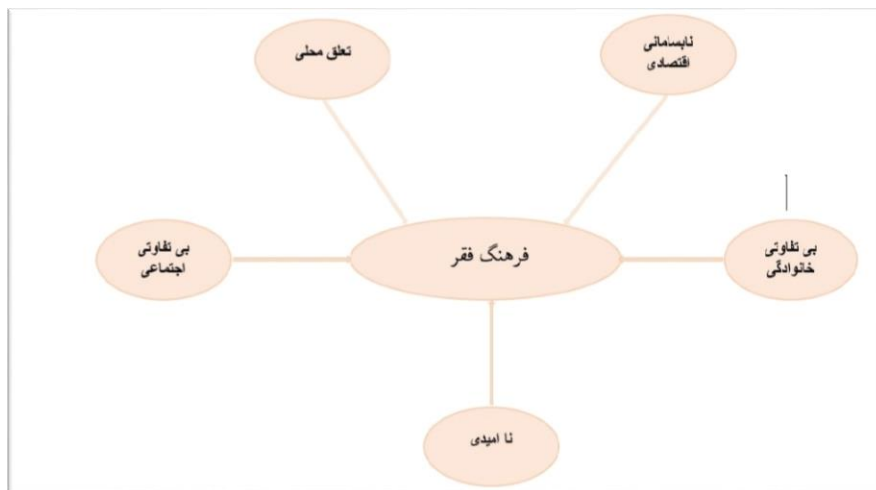
- فاطمه ذکر می‌کند: امیدی به بهتر شدن اوضاع زندگی‌ام ندارم، و این که بخواهم خودم با تلاش خودم زندگی‌ام را تغییر دهم غیر ممکن است، زندگی من اگر بدتر نشه شانس آوردم.

- ثریا در این باره می‌گوید: اقبال و سرنوشت انسان‌ها از قبل تعیین شده است و امکان تغییر دادن آن وجود ندارد، هرچه خدا بخواهد، همان می‌شود و کاری از دست بنده خدا بر نمی‌آید.

با نگاهی به مصاحبه‌ها می‌توان به این نتیجه رسید که اکثر مشارکت‌کنندگان تقدیرگرا هستند و این تقدیرگرایی فرد را به سوی ناامیدی می‌کشاند. علاوه بر تقدیرگرایی مشخصه دیگری که در مصاحبه‌ها به چشم می‌خورد عدم میل مشارکت‌کنندگان به کنترل محیط است یعنی اکثر آنان اعتقاد داشتند انسان آلت دست محیط است و نمی‌تواند آن را کنترل کند. این مجموعه عوامل اگر در وجود افراد درونی شود مانع بزرگی خواهد شد که جامعه نمی‌تواند در مسیر رشد و شکوفایی گام بردارد.

بحث و نتیجه گیری

پژوهش کیفی حاضر تلاش کرد با استفاده از رویکرد فرهنگ فقر اسکار لوئیس، به‌عنوان راهنمای پژوهش، به شناخت مؤلفه‌ها و مشخصه‌های فرهنگ فقر در میان زنان کرمانشاه بپردازد. پنج مشخصه ذکر شده از بارزترین مؤلفه‌های فرهنگ فقر زنان شهرستان کرمانشاه بود که با یافته‌های مطالعه پروین و درویشی فرد (2015)، مطالعه بساطیان (2011) و مطالعه محمدپور و علیزاده (2011) همخوانی داشت که در مدل (۱) قابل مشاهده است:



مدل ۱. الگوی کیفی شاخص‌های فرهنگ فقر

لازم به ذکر است که ممکن است مؤلفه‌های دیگری نیز در براه فرهنگ فقر زنان در تحقیقات اجتماعی مشابه و جامعه آماری متفاوت توسط محققان دیگری یافت شود و مورد اشاره قرار گیرد که این

امر موجب شناخت کامل و همه جانبه مسأله می‌شود. فراتحلیلی که توسط محمدی (۲۰۱۱) در حوزه فقر انجام شده نشان می‌دهد که عمده مطالعات صورت گرفته در حیطه فقر با رویکرد اقتصادی و نگاه کلان است در صورتی که پژوهش حاضر با رویکرد جامعه‌شناختی و نگاه خرد به مسأله فقر انجام گرفته است. تمام دغدغه پژوهش حاضر این است که به شناسایی باورها و نگرش‌های زنان نسبت به مسأله فقر و فرهنگ فقر بپردازد که به زعم برخی صاحب نظران (Fazeli, 2006) وقت آن رسیده که ایده تأثیر داشتن باورها و نگرش‌های افراد در روند توسعه یافتگی جامعه با وجود برخی مقاومت‌ها بیشتر در فضای دانشگاهی مطرح شود.

یافته‌های این تحقیق نشان داد که مؤلفه‌ها و مشخصه‌های شناسایی شده به مرور زمان در وجود افراد درونی می‌شود و به صورت یک فرهنگ مشخص درمی‌آید. این یافته تحقیق با پژوهش اولتیا سولت (۲۰۱۵) همخوانی دارد. او معتقد است که با وجود توسعه و پیشرفت زندگی در جوامع امروز و تغییراتی که حاصل شده است اما عده‌ای هستند که همچنان سعی در حفظ سبک زندگی خود دارند و حتی آن را به ارث می‌گذارند که این خود می‌تواند خطرناک باشد (بازتولید فرهنگ فقر). به باور لوئیس این فرهنگ ساخت و جهت‌گیری خاص خود دارد و به صورت یک روش زندگی در خط خانواده از نسلی به نسل دیگر منتقل و بازتولید می‌شود.

بازتولید این فرهنگ موجب کند شدن روند توسعه در جامعه می‌شود. امروزه شاخص‌های توسعه زنان، از شاخص‌های مهم سنجش توسعه انسانی سازمان ملل است، به عبارت دیگر وضعیت و کیفیت زندگی زنان را از عناصر مهم سطح توسعه جوامع تلقی می‌کنند. این نکته بیانگر جایگاه زنان در برنامه‌های توسعه و نوسازی در جهان معاصر است. لذا توجه عمومی به زنان در برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌ها از الزامات توسعه‌ای کشورهاست. با این وجود زنان نه تنها در ایران بلکه در بیشتر کشورهای جهان سوم از جمله کشورهای آسیب‌پذیری محسوب می‌شوند که به دلایل متعدد دسترسی چندانی به منابع رشد و ارتقای خود ندارند.

با توجه به مطالب ذکر شده و شناخت مؤلفه‌های فرهنگ فقر باید زنان گرفتار در فرهنگ فقر را هرچه سریع‌تر از این گرداب خارج کرد. این کار به طرق زیر انجام می‌شود: توانمندسازی زنان و گریز از فقر در جهت تغییر در فرصت‌ها و امکانات به همراه تغییر نگرش‌ها و ارزش‌های ضد توسعه و فقر پرور، افزایش اعتماد بنفس و خودباوری اجتماعی در زنان، تقویت پیوند اجتماعی زنان و حضور آن‌ها در شبکه‌های اقتصادی - اجتماعی، تقویت امید اجتماعی در نسل‌های مختلف زنان و ترسیم آینده‌نگری هدفمند برای توسعه و ترقی و در نهایت از طریق آموزه‌های دینی و دانشی می‌توان این نوع بینش (فرهنگ فقر) را اصلاح نمود و از میان برد.

تعارض منافع: بنا بر اظهار نویسندگان مقاله حاضر فاقد هر گونه تعارض منافع بوده است.

References

- Alkire, Sabina, Adriana Conconi and Suman Seth (2014) Multidimensional Poverty Index 2014: Brief Methodological Note and Results, Oxford Poverty and Human Development Initiative, University of Oxford <http://www.ophi.org.uk/wp-content/uploads/Global-MPI-2014-Brif-Methodological-Note-and-Result.pdf>.
- Alcock, Pete (2006) Understanding poverty, London: Palgrave Macmillan.
- Basatian, Mohammad, (2011). "Investigating the silent pattern of poverty culture and factors related to it, a case study: Delfan city, Lorestan province". Social Issues of Iran, second year, number 2, winter. (Persian)
- EloS, Kyngas H, The qualitative content analysis process. Journal of Advanced Nursing. 2008 Mar; 62(1)107- 115.
- Graneheim UH, Lundman B. Qualitative content analysis in nursing research: Concepts, procedures and measures to achieve trustworthiness. Nurse Educ Today 2004; 24(2): 105-12
- Hagberg, Sten(2001), Poverty in Burkina Faso , Representations and Realities ,Department of Cultural Anthropology and Ethnology , Uppsala University , PO Box 631 , SE-751 26 Uppsala . Sweden.
- Krippendorff K. Content analysis: an introduction to its methodology. Okas, CA: Sage;2004.
- Khursheed Chehar, Ahmed, 200۶. The culture of poverty needs a human perspective, Capital newspaper, February 3, ۲۰۰۶. (Persian)
- Landes, David (1998) The Wealth and Poverty of Nations, New York: Norton.
- Ottala
- silt (2015) The culture of poverty in Budapest, review of sociology vol.11
- Lewis, Oscar, (2009). Children of Sanchez, translated by Heshmat Kamrani, vol. 1, Tehran: Hermes. (Persian)
- Majlesi, Manijeh, (2006). The role of women in sustainable development, the 6th annual national conference of the Association of Environmental Professionals of Iran, Tehran. (Persian)
- Mohammadpour, Ahmed and Mehdi Alizadeh, (2011). "Women and the culture of poverty; A qualitative study of the culture of poverty among female heads of households covered by Sari welfare. Journal of Social
- Parvin, Sattar and Ali Asghar Darvishi Fard, (2015). "The subculture of poverty and social harm in urban neighborhoods (a case study of Harandi

- neighborhood)". Welfare Planning and Social Development Quarterly, No. 23, Summer. (Persian)
- Razavi, Hassan, (1998). Village, poverty, development, first volume: concepts, approaches and indicators. Ministry of Construction Jihad: Village and Development Publication Series, No. 31. (Persian)
- Rezaei, Nasrin and others, (2016). Moral health and its challenges from women's perspective: qualitative content analysis. Nursing Research, Volume 11, Number 2. (Persian)
- Rifat Jah, Maryam and Samaneh Bahrami, (2012). Anthropological study of factors of family disorder in Siros neighborhood of Tehran, Iranian Anthropological Research, Year 1, Number 2, Fall and Winter 2012. (Persian)
- Sciences, Faculty of Literature and Humanities, Ferdowsi University, eighth year, Mashhad, spring and summer 2011. (Persian)
- Shaditalab, zhaleh.Garaaienezhad, Alireza. (2004), Poverty of female heads of household, Women's Research, Volume 2, Number 1, Spring 2004: pp. 49-70. (Persian)
- Shalchi, Samia and Mitra Azimi. (2018). The study of feminization of poverty in Iran 1987 to 2017. Research paper on women, humanities and cultural studies research institute, 10th year, 2nd issue, summer 2018, 113-142. (Persian)
- Zahedi Asl, Mohammad, (2002). Basics of social welfare. Tehran: Allameh Tabatabai University. (Persian)

Problematization of women's poverty culture in Kermanshah

*Anis Rezaei*¹

*Abdul Reza Adhami*²

*Shahla Kazemipour Sabet*³

The culture of poverty is an important anthropological concept that has permeated the various fields of social sciences, economics, development, sociology, as well as public discourse and the media. This concept was first coined by Oscar Lewis; It is a semantic, subjective and normative system - a value that leads to the creation and spread of a sense of poverty among individuals, and if internalized, this process is constantly reproduced. Reproducing a culture of poverty is one of the major obstacles to sustainable development. The present study identifies and analyzes the characteristics and components of the culture of poverty among women in Kermanshah with a qualitative approach and content analysis method. Participants included 16 women aged 15 to 59 years in Kermanshah who were included in the study by purposive sampling method and were interviewed face to face and semi-structured. Based on the findings and results, five main components of the culture of poverty were extracted: economic disorder, local belonging, family indifference, social indifference and despair.

Keywords: Women, culture, culture of poverty, Kermanshah city.

1 . Sociology PhD student, Islamic Azad University, North Tehran branch, Tehran, Iran

2 . Associate Professor, Department of Sociology, Islamic Azad University, North Tehran Branch, Tehran - Iran. Author

3 . Associate Professor, Department of Sociology, University of Tehran, Tehran-Iran